

خزانه در بهار

بر اساس سه گذشت واقعی
شهیده حسین مردوخی
به روایت مادر شهید مردوخی

گردآورنده: فاطمه غفوری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



استاندارد کتابخانه



- سیرشناسه : غفوری، فاطمه، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور : خزان در بهار: بر اساس سرگذشت واقعی شهیده حقیقه مردوخی به روایت مادر شهید مردوخ/ گردآورنده فاطمه غفوری؛ مجری طرح مدیریت ادبیات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان کردستان.
مشخصات نشر : سنندج: کتابچه، ۱۳۰۳.
مشخصات ظاهری : ۵۳ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۰۰-۱۸۶-۳
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتاب حاضر با حمایت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان کردستان به چاپ رسیده است.
عنوان دیگر : بر اساس سرگذشت واقعی شهیده حقیقه مردوخی به روایت مادر شهید مردوخ.
موضوع : مردوخ، حقیقه، ۱۳۴۳-۱۳۶۶
موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- مریدان -- شهیدان -- سرگذشتنامه
-- Marivan -- Martyrs -- ۱۹۸۸- ۱۹۸ Iraq war, Biography
شهیدان -- ایران -- -- -- -- -- سرگذشتنامه
Martyrs -- Iran -- Marivan -- Biography
شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات
Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries
شناسه افزوده : بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان کردستان، مدیریت ادبیات
شناسه افزوده : بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان کردستان
رده بندی کنگره : DSR۱۶۳۶
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۳۳۰۹۳
شماره : ۹۸۲۶۵۹۹
کتابشناسی ملی
اطلاعات رکورد : فیبا
کتابشناسی

شهیده حدیقه مردوخی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۲/۲۸

محل شهادت: روستای قلعه جی، مریوان



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

کتاب: خزان در بهار (بر اساس سرگذشت واقعی شهیده حدیقه
مردوخی به روایت مادر شهید مردوخی)
گردآورنده: فاطمه غفوری
با حمایت: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان
کردستان
ناشر: انتشارات کتابچه
مجری طرح: مدیریت ادبیات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های
دفاع مقدس استان کردستان
جلد و صفحه آرای: شاهو احمدیان
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۴۰-۱۸۶-۲
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ریال

مقدمه

کردستان سرزمین عشق و مجاهدت

سرزمین فداکاری و از جان گذشتگی مردان و زنان با ایمان .

دیار جوانان غیور و عاشقی که خالصانه در دفاع از خاک میهن در خط اول مبارز و مقابله با دشمن و استکبار جهانی و مزدوران حضور داشته اند و از بار و مال و زندگی گذشتند تا حتی یک وجب از خاک و وطنشان به دست پلید دشمن نیفتد.

میهن اسلامی را مقدس شمردند تا برای نسل های بعدی پناهگاه و ماوای امن و پاکی باشد. کردستان جزو استان هایی بود که بارها مورد حملات هوایی دشمن بعثی قرار گرفت و زیر توپخانه های دشمن خسارت های زیادی متحمل شد.

روستاهای زیادی تخریب و خالی از سکنه شدند و تعداد زیادی از مردم بی دفاع و غیرنظامی مخصوصا زنان و کودکان به شهادت رسیدند. دشمن بعثی به منظور وارد آوردن فشار برای رسیدن به خواسته های شوم خود ، شهرهای استان را چندین بار بمباران کرد.

جنایتکاران بعثی از خدا بی خبر، به همین جنایت ها و حملات بسنده نکردند و به اقدام غیرانسانی و غیرایمانی، یعنی استفاده از جنگ افزارها و هواپیماهای حامل سلاح شیمیایی و میکروبی روی آوردند. که گسترده ترین حمله شیمیایی دشمن در روز ۲۸ اسفند سال ۱۳۶۶ صورت گرفت که موجب کشته شدن تعداد زیادی از مردم بی گناه روستاها شد. اواخر سال ۶۶ و اوایل ۶۷ برای مردم مناطق مرزی کردستان بسیار دردآور بود. خوی ددمنشی دشمن به اوج خود رسید و با باران شیمیایی مردم را قتل عام کرد.

روستای قلعه جی از تابع شهرستان مریوان هم یکی از دهها روستایی بود که مورد اصابت بمب شیمیایی قرار گرفت و آسیب های زیادی به مردم زد. تعداد زیادی شهید شدند و تعدادی هم مظلومانه زجر کشیدند و زیر دود شیمیایی تاوا زدند و سوختند. آنها بی گناه در کینه سیاه دشمن بعثی محکوم به مرگ شدند.

و هیچکس از آنها نپرسید به کدامین گناه سوختند.

نگاهی یکنواخت به چشم های مادر مهربانی می اندازم که چشم به راه فرزندش است تا شاید بار دیگر صورت زیبای او را بنگرد و ببوسد. دانه های اشک از چشمانش که همچو دریاچه ای از نجوا پر

شده بود از مژگان سیاه و سفیدش سرازیر می شدند و غم دلش را نیز همراه آن روانه می کردند. گویی خود را گم کرده و به دنبال تماشای آن روز شد تاریخ رفته که دخترش بی هیچ گناهی سوخت و برد امان مادر و با نوازش دستان پرمهرش به دیدار حق مانوس شد.

بوی عشق قلبش را آکنده کرده بود و ما هنوز در شناخت آن مانده ایم او از عشق می گوید. از همان عشقی که در قلب پاک دخترش به ودیعه نهاده شده بود، عشق به دیدار معشوق.

گاه گاهی روسری سفیدش را مرتب می کرد و موهای حنایی رنگش را از روی صورتش کنار می زد و گاهی هم با همان گوشه روسری، چشمانش را پاک می کرد. حرف هایش دردناکتر از بارها جان دادن بود که تمام وجودش را ترک کرده بود.

دیدن و شنیدن هر آنچه که بر سر این مردم گذشته، شناخت انسان های بزرگ و با ارزش دلی به وسعت آسمان ها و پستی دریاها می طلبد. باور مادران جگر سوخته را باید با تمام وجود حس کرد و دل را به دریای عشق آن ها متصل کنی تا بتوانی حال و هوای آن ها را درک کنی و خون فرزندان شهیدشان را با دیده منت ارج بنهی.

بزم در بهار خزا

برای هر وجب از این خاک پر گهر، خون عزیزی ریخته شده و
قامت رعنائی به زیر خاک آرمیده، تا امروز این چنین سربلند و آباد
گشته است .

ای وطن حرمت را نگه می داریم ، حرمت خون شهیدانت و رنگ
سرخ لاله های عاشقت را ، عظمت آسمانت را و وسعت خاک
پر گهرت را ، دلیری مردان و شهامت زنان با ایمانت را ، عشق
جوانانت همه و همه را دوست می داریم و ارج می نهیم .

ذره ذره خاک مقدست را بجه آمال و آرزوهایمان قرار می نهیم .

ای ایران ، ای وطن عزیز تو را به ما نای واقعی دوست می داریم و تو
را ستایش می کنیم .